

مدارا یک تکلیف اخلاقی در اسلام است

بعضی‌ها با دیگران، چه در محیط خانه و محل کار یا در محله و منطقه سکونت، با دیگران «ناسازگارند». ناسازگاری با دیگران، نشانه نوعی غرور و خودبرتتری بینی نسبت به مردم و نتیجه آن هم تنها ماندن است.



بعضی‌ها با دیگران، چه در محیط خانه و محل کار یا در محله و منطقه سکونت، با دیگران «ناسازگارند». ناسازگاری با دیگران، نشانه نوعی غرور و خودبرتتری بینی نسبت به مردم و نتیجه آن هم تنها ماندن است.

به گزارش خبرگزاری مهر، تلاش برای داشتن یک زندگی دور از تنش و پرخاش و مشکلات رفتاری، موجب آسایش روح و سلامت خانواده است. همه افراد، در خصلت‌های اخلاقی و شیوه رفتار، یکسان نیستند. این تفاوت در برخی موارد بروز می‌کند و مایه اختلاف می‌شود، اختلافی که البته قابل اجتناب است، آن هم با شیوه «مدارا و سازگاری» در اخلاق و برخورد.

بعضی‌ها با دیگران، چه در محیط خانه و محل کار، یا در محله و منطقه سکونت، «ناسازگارند». ناسازگاری با دیگران، نشانه نوعی غرور و خودخواهی و خود برتری بینی نسبت به مردم است و نتیجه آن هم تنها ماندن و انزواست. از سوی دیگر، بی‌طاقتی در مقابل حالات و رفتار دشوار و ناهنجار دیگران نیز، ریشه در کم‌ظرفیتی دارد و به تشدید این تعارض و ناسازگاری می‌انجامد. اگر در دستورهای دینی ما به «حسن خلق»، تأکید شده است، یکی از مصداق‌های بارز آن «مدارا» است. با دوستان مروّت، با دشمنان مدارا آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است: «مدارا» یک تکلیف اخلاقی در اسلام است. از رسول خدا (ص) روایت است: «آمَرنی رَبّی یمدّاراة النَّاسِ کما آمَرنی باداءِ الفرائض»؛ (۱) همان گونه که پروردگارم مرا به انجام واجبات فرمان داده است، به مدارا با مردم دستور داده است. در حدیث دیگری چنین آمده است که جبرئیل، به محضر رسول خدا (ص) آمد و از سوی خدا چنین پیام آورد که: «ای محمد! پروردگارت سلام می‌رساند و به تو می‌گوید: با بندگان من مدارا کن». (۲)

نیز در حدیث است از پیامبر اکرم (ص) که فرمود: «مُدّاراة النَّاسِ نِصْفُ الْإِيْمَانِ وَ الرَّفْقُ يَهْمُ نِصْفِ الْعَيْشِ»؛ (۳) نیمی از ایمان، مدارای با مردم است و نیمی از زندگی، رفق و ملامطت با آنان است. حتی خارج از قلمرو دین و آئین هم، آنان که خواستار یک زندگی دلنشین و پسندیده باشند، در سایه همزیستی مسالمت آمیز و رفق و نرمش با دیگران و رفتار شایسته، بهتر به این خواسته می‌رسند، تا در سایه خشونت و برخورد ناسازگارانه و بهانه جویانه و عیب‌گیرانه و خودپسندانه! سعه صدر و ظرفیت برای تحمل دیگران، لازمه دست یافتن به یک زندگی خوب است. در مواردی که اختلاف سلیقه و دیدگاه، یا تفاوت در مشی و رفتار و روش وجود دارد، باز هم با وسعت نظر و «مدارا» می‌توان مانع بروز مشکلات شد.

مدارا، یا تویّی و تبریّی

تعیین مرزهای دقیق در مباحث اخلاقی و مسائل فرهنگی، مهم است. ما به همان اندازه که به مدارا و حسن خلق و حلم و معاشرت شایسته مأموریم، به تویّی و تبریّی و مرزبندی مکتبی در دوستی‌ها و دشمنی‌ها و صف‌آرایی در برابر دشمن و مقاومت بر سر «مواضع» و بی‌تفاوت نبودن در مقابل بدی‌ها و بدان‌موظف هستیم. و این دو مسأله از هم جداست و هر کدام جای خاص خود را دارد.

درست است که در مسائل اعتقادی نباید کوتاه آمد و ارزش‌ها را نباید فروخت و با دشمنان فکری و مرامی و سیاسی نباید کنار آمد، اما معاشرت با مردم موضوع دیگری است. حتی در ارتباط با دشمن هم بحث «مدارا» تأکید شده است، چرا که گاهی سبب جذب آنان می‌شود، بی‌آنکه از مبانی و اصول خویش، دست برداریم.

حضرت امیر (ع) می‌فرماید: «خَالِطُوا النَّاسَ مَخَالَطَةً إِنَّ مِمَّ مَعَهَا بَكْوًا عَلَيْكُمْ وَ إِنَّ عِشْتُمْ حَتَّوًا إِلَيْكُمْ»؛ (۴) با مردم آن گونه مخالطت و معاشرت داشته باشید که اگر مردید، با رفتاری که داشته‌اید، بر شما گریه‌کنند و اگر زیستید، بر شما دلسوزی و شفقت‌کنند. این همان مفهومی است که در شعر «عرفی» آمده است: مسلمانان به زمزم شوید و هندو بسوزاند چنان با نیک و بد خو کن، که بعد از مردنت «عرفی»

و این، نه به معنای بی‌تفاوتی در مقابل حق و باطل و صلاح و فساد، یا زیر پا نهادن ارزش‌های مکتبی و نادیده گرفتن اصول و مبانی است، بلکه «سلوک شایسته» و «حسن خلق» و اخلاق نیک و جاذبه رفتاری است، که حتی بیگانه را هم جذب می‌کند.

از امام صادق (ع) در تفسیر آیه «و قولوا للناس حسنا» (با مردم نیکو سخن بگویید) نقل شده که فرمود: «یعنی با همه مردم، چه

مؤمن چه مخالف (خودی و بیگانه). اما رفتار با مؤمنان، همراه با چهره گشاده باشد و اما با مخالفان، گفتاری مداراتی باشد، تا آنان را هم به ایمان (و خط فکری) خویش جذب کنید، چرا که خیلی با کمترین از اینها می توان شر آنان را از خود و از برادران ایمانی باز داشت. «(۵)

مدارا با دشمن

مدارا، سلاح پیامبران در جامعه پر از دشمن و مخالف بود و بدین وسیله، هم مخالفان را جذب می کردند، هم با این شیوه، به پیروان باایمان، در مقابل دشمنی ها و کینه توزیهای عنودان و دشمنان سرسخت، مصونیت می بخشیدند. امام سجاد از حضرت رسول (ص) روایت کرده که فرمود: خدای متعال، از این رو پیامبران را بر مردم دیگر برتری و فضیلت بخشید، که با دشمنان دین خدا بیشترین مدارا را می کردند و به خاطر خدا و حفظ جان پیروان خویش، بهترین «تقیه» را به کار می بستند. (۶)

روشن است که این در دوران خاصی بوده که پیامبران (و حتی رسول اکرم) از نظر نیرو و نفرت و شرایط، دوران سخت و عسرت و کمی یاران را می گذراندند. آنگاه که فداکاران راه خدا افزون شدند، دشمنی های کفار و منافقان را با شدت عمل جواب دادند و به فرمان «جهاد» و «برخورد قاطع» عمل کردند، نه سازشکارانه و مداهنه جویانه، که البته آن هم به اقتضای شرایط و موقعیت بود. در برخوردهای اجتماعی با مردم که قلمروی جدا از برخورد با دشمنان داخلی و خارجی دارد مدارا و نشان دادن ملامت و روحیه سازگاری، کار انسان را هم بیشتر پیش می برد و دل ها را هم بیشتر جلب و جذب می کند. بویژه در مواجهه با کسانی که به هر حال، مثل استخوان لای زخم و مانند یک جراحت اند که ناچار باید به نحوی آنان را تحمل کرد. به این تحمل از روی ناچاری امام علی (ع) اشاره فرموده و آن را نوعی حکمت به شمار آورده است. می فرماید: «لیس الحکیم من لم یدار من لا یجد بدًا من مداراته»؛ (۷) کسی که مدارا نکند، با شخصی که چاره و گریزی از مدارا کردن با او ندارد، حکیم و فرزانه نیست. راستی! … با یک جراحت و زخم، چه می توان کرد، جز ساختن و مدارا و تحمل، تا خوب شود؟ گاهی بعضی ها مثل همان زخمند باید با آنان ساخت و جز نشان دادن صبوری و سازگاری هیچ راهی نیست. ناسازگاری با دیگران، نشانه نوعی غرور و خودخواهی و خود برتری بینی نسبت به مردم است و نتیجه آن هم تنها ماندن و انزواست. سعه صدر و ظرفیت برای تحمل دیگران، لازمه دست یافتن به یک زندگی خوب است. در مواردی که اختلاف سلیقه و دیدگاه، یا تفاوت در مشی و رفتار و روش وجود دارد، باز هم با وسعت نظر و «مدارا» می توان مانع بروز مشکلات شد. حکمت بودن «مدارا با مردم» را در سخن دیگری، حضرت علی (ع) چنین بیان فرموده است: «رأس الحکمة مداراة الناس». (۸) نشان دادن سازگاری و خوشرفتاری، حتی کینه ها را هم میزداید و به جای آن دوستی و علاقه می آورد. باز هم از حضرت امیر (ع) بشنویم که می فرماید: «دار الناس تستمتع یاخائهم و ألقهم بالیشر تَمْتُ أضعائهم». (۹) با مردم مدارا کن، تا از برادری آنان بهره مند شوی و با آنان با روی گشاده ملاقات کن، تا کینه هایشان را بیرون رانی.

تحمل ناسازگاری

در یک زندگی جمعی، آیا چاره ای جز حسن سلوک و مدارا وجود دارد؟ گذشت، یکی دیگر از جلوه های «مدارا» است. اگر بنا باشد در مقابل هر مسأله انسان حساسیت و سرسختی نشان دهد و هر حرف را به دل بگیرد و از هیچ چیز نگذرد، پدید آمدن ناهنجاری در زندگی جمعی، حتمی است. تحمل کردن ناسازگاری دیگران، پدید آورنده سازگاری است. اگر بدی را با بدی و تندی را با تندی جواب دهیم، مشکلات بالا می گیرد. گاهی باید چشم را بست و بعضی رفتارهای آزاردهنده و ناراحت کننده دیگران را نادیده گرفت، یا درگذشت و بخشود، تا ریشه بحران در روابط بخشد.

در تفسیر آیه «یدرون بالحسنة السيئة» (بدی را با نیکی رفع می کنند) آمده است که به وسیله حلم، جهل و نابخردی جاهل را دفع می کنند و به وسیله مدارا با مردم، اذیت و آزار آنان را از خودشان دور می سازند. (۱۰)

بالتر از این چشم پوشی، آن است که بدرفتاری های دیگران را با خوشرفتاری مقابله کنیم، نه مقابله به مثل، بلکه مقابله به بهتر و برتر. این اوج کرامت نفس و اخلاق والا و پیامبرانه است که می سزد در امت پیامبر (ص) تجلی یابد.

در اخلاق خانواده، بروز این نمونه مکارم اخلاقی به آن است که هر یک از زن یا شوهر، ضعف ها و بداخلاقی هایی در طرف مقابل دید، تصمیم بر مقابله به مثل و شاخ به شاخ شدن نگیرد، بلکه بنا را بر سازگاری و تحمل بگذارد، آن هم به حساب خدا و برای رضای او تحمل کند، تا به دو نتیجه خوب برسد: یکی بهبود وضعیت داخلی خانه، دیگری رسیدن به اجر و پاداش الهی.

امام صادق (ع) فرمود: «ثلاث من مکارم الدنيا والاخرة: تَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَ تَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ وَ تَحْتَمُّ إِذَا جُهِلَ عَلَيْكَ»؛ (۱۱) سه خصلت، از بزرگواری های دنیا و آخرت است: یکی آنکه از کسی که بر تو ستم کرده، درگذری، دیگر: با کسی که از تو بریده است، پیوند برقرار کن. سوم: اگر با تو به جهالت رفتار شد، حلم و خویشتن داری نشان دهی.

حلم و بردباری در برابر جهالت، عفو و گذشت در مقابل ستم و جفا، صلح رحم با خویشاوندانی که قطع رابطه کرده اند، ادب و متانت و احترام در مقابل آنکه بی ادبی کرده است، خوبی و احسان در برابر بدی ها و بدرفتاری های دیگران، همه و همه از نشانه های «سازگاری» و کرامت نفس و روح بلند است. در مسائل تربیتی نیز، تحمل فرزندان «دشوار» و ساختن با ناهنجاریهای رفتاری آنان و به هنجار آوردن آن، هم دشوار است، هم گامی مهم در ساختن انسان های بالنده و مستعد. از این رو، معلم و مربی، همچنین پدر و مادر برای تربیت شایسته فرزندان، نیازمند «سازگاری» اند، نیز تحمل در برابر ناسازگاری های شاگردان و فرزندان.

منابع:

۱- وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۵۴۰.

۲- همان.

۳- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۳۹.

۴- نهج البلاغه، صبحی الصالح، حکمت ۱۰.

۵- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۴۰۱.

۶- همان.

۷- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۳۹.

۸- غررالحکم (چاپ دانشگاه)، ج ۴، ص ۵۲.

۹- همان، ص ۱۶.

۱۰- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۴۲۳.

۱۱- همان، ج ۷۱، ص ۴۰۰.